

مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی

چکیده

فساد از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع، از دستیابی به اهداف و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌رود. به طور متعارف، اصطلاح "فساد" به هرگونه فعالیت غیرقانونی برای منافع شخصی یا جمعی اشاره دارد. از نظر اسلام و قرآن، چون هدف، گردش سالم اقتصادی در همه جامعه است، هرگونه رفتاری بر خلاف این اصل به‌عنوان فساد اقتصادی شناسایی و با آن مقابله می‌شود، از این‌رو حتی با ثروت‌اندوزی برخورد می‌شود؛ زیرا ثروت‌اندوزی نه تنها مانع از گردش سالم اقتصاد در جامعه می‌شود بلکه مانع جدی در سر راه رشد شخص می‌شود و او را گرفتار اسراف می‌کند. حضرت علی در نهج‌البلاغه برای مبارزه با فساد روش‌هایی را تبیین کرده و در حکومت از آن استفاده نموده است. هدف این پژوهش بررسی مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی است. یک جامعه مدنی پویا می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و توانمندسازی حکمرانی خوب داشته باشد. آنچه که در این میان شایسته توجه است ولی از نگاه ژرف اندیشمندان مسلمان در حوزه اقتصاد، تا حدودی به دور مانده، سیاست‌های اقتصادی حکومت علوی است که می‌تواند برای گریز از بحران اقتصادی موجود حداقل در دنیای اسلام و پایه‌ریزی یک الگوی مناسب اقتصادی مفید باشد و شالوده یک طرح نوین باشد. در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر نهج‌البلاغه و منابع معتبر دیگر استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: فساد اقتصادی، حکومت علوی، مبارزه با فساد

در جهان معاصر که اقتصاد حرف اول را در تمام فعل و انفعال‌های داخلی و بین‌المللی کشورهای دنیا می‌زند، ارائه طرح و الگویی که بتواند اقتصاد کشورها و به تبع آن اقتصاد جهانی را در جهت همخوانی با معیارهای انسانی و اهداف بشری هدایت کند و در یک کلام عدالت اجتماعی را به ارمغان بیاورد، ضروری احساس می‌شود؛ گرچه در این راستا از قرن‌ها پیش تا کنون تلاش‌هایی از سوی اقتصاد دانان جهان غرب به طور گسترده و دانشمندان مسلمان در چاچوپ موازین اسلامی صورت گرفته و مدل‌هایی هم ارائه شده است اما عملاً نتوانسته اقتصاد را در مسیر اهداف انسانی قرار بدهد. بخشی از این عدم موفقیت شاید به عملی نشدن الگوهای مطرح شده برگردد و بخشی هم به ناکارآمد بودن مدل‌ها. یکی از راه‌های رسیدگی به معضل فساد در جوامع مسلمان، ایجاد حکمرانی خوب است. با این حال، در عین حال، یک جامعه مدنی پویا می‌تواند نقش مهمی در ایجاد و توانمندسازی حکمرانی خوب داشته باشد. آنچه که در این میان شایسته توجه است ولی از نگاه ژرف اندیشمندان مسلمان در حوزه اقتصاد، تا حدودی به دور مانده، سیاست‌های اقتصادی حکومت علوی است که می‌تواند برای گریز از بحران اقتصادی موجود حداقل در دنیای اسلام و پایه‌ریزی یک الگوی مناسب اقتصادی مفید باشد و شالوده یک طرح نوین باشد.

فساد از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع، از دستیابی به اهداف و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌رود. به همین دلیل، همواره کسانی که در پی سلامت نظام اجتماعی بشر، رشد و تکامل آن بوده، به دنبال پیشگیری و مبارزه با این پدیده شوم اجتماعی بوده‌اند. پیامبران و اولیای الهی در این میان نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه برنامه‌های تبلیغی و سیره عملی خود قرار داده، در این راه جان نثاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند (حسنی و شمس، ۱۳۹۱). فساد در دستگاه‌های اداری از منظر حضرت علی همواره امر مذمومی به شمار می‌آمده و شروع حکومت حضرت، به دلیل ساختار نامناسب حکومت سابق، با انبوهی از مفاسد و انحرافات در نظام اداری و مالی و حکومتی همراه بود که از همان ابتدای حکومت، مبارزه با فساد سرلوحه حکومت اسلامی ایشان بوده است. یکی از برنامه‌های روشن حکومت علوی، برقراری عدالت و احقاق حق مظلومان و برخورد شدید با تبعیض‌ها، انحصارات، رانت‌خواری‌ها، و پایمال‌کنندگان اموال عمومی بوده است. در مجموعه سیره نظری و عملی حضرت علی بویژه در دوران تصدی حاکمیت و مدیریت اجرائی جامعه اسلامی، دارای سیاست‌ها و راهبردهای اصلاحی در عرصه مدیریت اقتصادی و نیز ساماندهی نظام سالم روابط اقتصادی بین مردم و حکومت می‌باشد. امیر مومنان برای پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی، پاسخگویی مسئولین، نظارت عمومی، شایسته سالاری، وضع قوانین کارآمد، امنیت اقتصادی، جلوگیری از اختلاس، رباخواری، احتکار و تبعیض، ثبات بازار و مواردی از این قبیل را مد نظر داشت.

از نظر اسلام، ثروت و مال در حیات مادی و معنوی انسان‌ها نقش اساسی دارد و در برخی روایات از تنگدستی به "رو سیاهی در دنیا آخرت" (حکیمی، ۱۳۸۰) و "مرگ بزرگ" (سید رضی، حکمت ۱۶۳) تعبیر شده است.

۲. تعریف فساد

به طور متعارف، اصطلاح "فساد" به هرگونه فعالیت غیرقانونی برای منافع شخصی یا جمعی اشاره دارد. بر این اساس، سه تعریف برای فساد وجود دارد:

✓ فسادی که در مناصب دولتی متمرکز است (فساد اداری - محور)، که به عنوان "اقدامات و سیاست‌های یک مقام دولتی خاص که با موقعیت رسمی وی مطابقت ندارد، به منظور کسب منافع شخصی یا منافع معین برای افرادی که با او رابطه نزدیک دارند مانند خانواده، اقوام و دوستان" تعریف می‌شود. این تعریف، همانطور که می‌توان مشاهده کرد، شامل فساد و خویشاوندی است، یعنی ایجاد حمایت بر اساس رابطه خانوادگی (نسبتی) نه بر اساس شایستگی.

✓ تعریفی از فساد وجود دارد که بر تأثیر فساد بر منافع عمومی متمرکز است (منافع عمومی). از این نظر، می‌توان گفت که فساد زمانی رخ داده است که یک صاحب قدرت یا یک مقام دولتی اعمال و سیاست‌های خاصی را بر اساس اراده افراد دیگری (که پول یا سایر انواع پاداش مادی ارائه کرده‌اند) انجام داده است. در راستای این تعریف، می‌توان گفت که فساد زمانی رخ می‌دهد که یک دارنده مناصب دولتی اعمال یا سیاست‌هایی را به نفع افراد خاصی انجام دهد که به او پاداش‌های مادی داده‌اند که به نوبه خود موقعیت رسمی و منافع عمومی او را مخدوش کرده است.

✓ در نهایت به تعریفی از فساد بر می‌خوریم که بر بازار متمرکز است (بازار محور). این تعریف مبتنی بر تحلیل‌هایی از فساد است که از نظریه‌های مختلف انتخاب‌های اجتماعی و عمومی و همچنین رویکردهای اقتصادی در چارچوب تحلیل سیاسی استفاده می‌کند. از این نظر، فساد یک نهاد "فراقانونی" است که توسط گروه‌هایی از مردم به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رویه‌های بوروکراسی استفاده می‌شود. بنابراین، این نوع فساد نشان می‌دهد که افراد و گروه‌هایی از مردم که در فرآیند تصمیم‌گیری دخالت دارند، بیش از هر فرد یا گروه دیگری در معرض فساد هستند.

۳. مبارزه با فساد

اساساً، چهار نوع سیاست وجود دارد که می‌تواند توسط سیاست‌گذاران دولتی اتخاذ شود تا به طور مؤثر - اگر نه به طور کامل - انواع مختلف فساد را ریشه کن نماید:

✓ اصلاح سیاست‌هایی که به هر طریق ممکن است توسط مقامات دولتی مورد سوء استفاده قرار گیرد.

✓ اصلاح ساختار حقوق و دستمزد و سایر مشوق‌های مادی که در بوروکراسی و سایر نهادهای عمومی اعمال می‌شود.

✓ اصلاح سازمان‌های مجری قانون و گسترش ظرفیت آنها برای اجرای قانون و نظم.

۷ در نهایت، تقویت حاکمیت قانون.

براساس آموزه‌های قرآن، قوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است، خداوند متعال در آیه پنجم سوره نساء در این باره فرموده است: «لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید».

البته بر پایه تحلیل و تبیین قرآن از نقش و اهمیت اقتصاد سالم در سرنوشت ابدی بشر این معنا به دست می‌آید که سعادت ابدی انسان یعنی متاله و ربانی شدن و رسیدن به کمک و آسایش و آرامش مطلق تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است؛ چنان‌که خداوند متعال در آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود به این مسئله اشاره و می‌فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (۸۴) وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)؛ و به سوی [اهل] م دین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمان‌ه و ترازو را کم نکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم (۸۴) و ای قوم من پیمان‌ه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر بردارید (۸۵)».

پس می‌توان ریشه فساد را در عدالت‌گریزی جست‌وجو کرد؛ عدالت‌گریزان، قانون‌گریزان ماهری نیز هستند؛ زیرا قانون مبتنی بر اصول عقلانی، عقلایی و شرعی اجازه می‌دهد تا هر کسی در هر موقعیتی بتواند از زندگی به شکل طبیعی بهره‌مند شود؛ اما قانون‌گریزان، می‌خواهند تا با تغییر موقعیت خود در جامعه بر خلاف قانون، ثروت را برای خود محدود سازند و دیگران را از حق طبیعی‌شان محروم سازند.

از نظر اسلام و قرآن، چون هدف، گردش سالم اقتصادی در همه جامعه است، هر گونه رفتاری بر خلاف این اصل به‌عنوان فساد اقتصادی شناسایی و با آن مقابله می‌شود، از این‌رو حتی با ثروت‌اندوزی برخورد می‌شود؛ زیرا ثروت‌اندوزی نه تنها مانع از گردش سالم اقتصاد در جامعه می‌شود بلکه مانع جدی در سر راه رشد شخص می‌شود و او را گرفتار اسراف می‌کند. البته مراد از ثروت‌اندوزی در این‌جا ثروت‌اندوزی‌ای است که مانع سلامت اقتصادی و گردش سالم آن و خروج از دایره عدالت، اتراف، اسراف و مانند آن می‌شود؛ بنابراین، اگر ثروت‌اندوزی به نیت و قصد افزایش ثروت عمومی جامعه و ثروت ملی و گسترش و رشد اقتصادی جامعه و مردم باشد، عملی مثبت و در چارچوب عدالت و اقتصاد سالم خواهد بود.

۴. مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی

امام علی(ع) بعد از انحراف بیست و پنج ساله مردم از راه و روش پیامبر اعظم(ص) و استحاله اسلام مستضعفین به اسلام مستکبرین، زمانی خلافت را در دست می‌گیرد که اشرافیت جاهلی در قالبی جدید و با توجیهاتی شرعی، از درون اسلام سر برآورده بود. تفکر طبقاتی نوپا، جامعه را در دو طبقه غنی و فقیر جای داده، اقتصاد را و ثروت‌های عمومی را ظالمانه تقسیم کرده بود، ثروت‌های باد آورده، عثمان را در راس زراندوزان جای داده و مترفینی چون طلحه‌ها، زبیرها و عبدالرحمن بن عوف‌ها را با هدیه جذب کرده بود. از طرف دیگر ابوذرها و توده مردم را در چنبره فقر و فساد حکومتی به نابودی کشیده بود که شورش مردم و قتل عثمان حجت قاطعی بر این ادعا است. جهان‌بینی امام علی(ع)، بر محور عدالت تکوینی و ایدئولوژی حضرتش بر مدار عدالت تشریحی است. راست‌پویی و راست‌سویی، علی را مصاحبی همیشگی هستند. در حکومت پنج ساله خود، بر مسیر عدالت‌خواهی و با قاطعیت مکتبی با اشرافیت جدید، به دور از کوچک‌ترین تسامحی، به مبارزه برمی‌خیزد و فسادزدایی اقتصادی را وجهه همت خود می‌سازد و ارزش خلافت را از آب‌بینی بزی و از لنگه کفش وصله‌داری هم کمتر می‌بیند. مگر اینکه در سایه خلافت و حکومت، طبق میثاقی که حضرت باری از انسان‌های آگاه در راستای دادخواهی بر گرسنگی فقیران و فریادگری بر سر سیران افزون طلب گرفته است، حق مظلوم از ظالم استیفا شود. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳) در بینش امام علی(ع) تنها راه فسادزدایی اقتصادی و استیفای حق مظلوم از ظالم، قاطعیت است؛ لکنت زبان در این مسیر مطرود بینش امام علی(ع) است.

از نظر دشتی حدود ۱۱ راهکار برای مقابله با فساد در سیره امیرالمومنین(ع) و نهج‌البلاغه می‌توان دید:

۷ گام اول از منظر امام علی(ع) داشتن سیستم نظارتی و اطلاعاتی قوی است، وقتی در سیره امیرالمومنین(ع) دقیق می‌شویم، می‌بینیم از قاضی یکروزه در حکومت خود استفاده می‌کند. به این معنا که ابن هرمه را به قضاوت در شهری منصوب کرد و روز بعد او را عزل نمود. وقتی خدمت امیرالمومنین(ع) رسید، درباره این اقدام سؤال کرد. حضرت فرمود: "سیستم اطلاعاتی من به من خبر دادند که تو با مردم بدرفتاری کرده و خشن صحبت می‌کنی، به همین جهت شما را عزل کردم". این مساله نشان می‌دهد علی(ع) دارای سیستم نظارتی و اطلاعاتی در حکومت خود بودند.

۷ گام دوم در زمینه جلوگیری از فساد در حکومت امام علی(ع)، پیگیری شکایات مردمی است. امام علی(ع) در جاهای مختلف وقتی مردم از ظلم یک فرماندار گزارش می‌دهند، برافروخته شده، تحقیق می‌کند و ترتیب اثر می‌دهد که نمونه آن شکایت سوده همدانی از گرفتن مالیات اضافه است.

۷ گام سوم امیرالمومنین(ع) با فساد، افشای خیانتکار است. امام علی(ع) نوع خیانت را برای مردم بیان کرده و متناسب با جرمی که کرده با او برخورد می‌کند نه اینکه به مفسد اقتصادی پر و بال بدهیم و به پست بالاتر برود یا برخی شبهه کنند که برخورد با مفسد اقتصادی باعث فرار سرمایه‌ها می‌شود درحالی‌که اینگونه نیست و برخورد متناسب با خیانت سبب رونق اقتصادی شده، مردم امیدوار می‌شوند و سرمایه‌ها از کشور اسلامی خارج نمی‌شود.

✓ گام چهارم در مقابله امام علی(ع) با فساد، تحقیر مفسدین اقتصادی است. امام علی(ع) در مواجهه با گزارش تخلف یکی از فرمانداران خود به وی نامه می‌نویسد که: «اگر گزارشی که از تو به دست من رسیده، درست باشد، ارزش بند کفش تو از تو بیشتر است». یا در جای دیگر می‌نویسد: «آخرت خود را برای دنیای دیگران خراب کردی».

✓ گام پنجم امام علی(ع) در مقابله با فساد، عزل فوری مفسد اقتصادی است. علی(ع) در موارد مختلف که به او گزارش می‌دهند فلان قاضی شما با اشراف نشست و برخاست می‌کند و در سفره‌های زرین حاضر می‌شود، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و فوری نامه عزل آن فرماندار را می‌نویسد و خطاب به او می‌فرماید: «اموالی که دست توست امانت است و حق نداری از آن استفاده کنی تا فرماندار بعدی بیاید و در بازگشت، سخت از تو حساب و کتاب خواهم کشید».

✓ گام ششم امام علی(ع) در مقابله با فساد، پس گرفتن اموال بیت‌المال است. حضرت در این راستا توجهی به گفته‌های دیگران نمی‌کند و در اوایل حکومت ایشان می‌بینیم که چنین هشدار می‌دهند که «اگر بیت‌المال را کابین زنان خود کرده باشید، پس می‌گیرم و دینار دینار بیت‌المال را از شما حساب و کتاب می‌کنم». وقتی اعتراض اطرافیان را می‌بینند، می‌فرماید: «من حاضر نیستم یک‌روز مفسد اقتصادی را تحمل کنم».

✓ گام هفتم امام علی(ع) در مقابله با فساد، برخورد قاطع و فوری با فاسد است. امام علی(ع) در برخورد با فاسد، تاخیر نداشتند چون تاخیر باعث تشدید فساد شده و مفسد اقتصادی نسبت به نظام پررو و طلبکار می‌شود.

✓ گام هشتم امام علی(ع) در مقابله با فساد، امتیاز و رانت ندادن است. در این زمینه داستان امام علی(ع) و خزانه‌دار بیت‌المال معروف است که خزانه‌دار بیت‌المال گردنبندی را به دختر امام علی(ع) برای یک شب قرض می‌دهد که وقتی امیرالمومنین(ع) این گردنبند را بر گردن دخترش می‌بیند، می‌فرماید: این گردنبند برای توست. او می‌گوید: خیر، از بیت‌المال امانت گرفتیم. امام(ع) شبانه، خزانه‌دار بیت‌المال را احضار می‌کند و به او می‌گوید: تو با چه اجازه‌ای، از بیت‌المال امانت دادی؟ او توضیح می‌دهد که در قبال آن، ضمانت گرفتیم. علی(ع) می‌فرماید: والله قسم، اگر این ضمانت را نمی‌گرفتی و مراتب مقرر در اسلام راجع به امانت را رعایت نمی‌کردی، اولین شخص از قریش که دستش قطع می‌شد، دختر من بود.

✓ گام نهم امام علی(ع) در مقابله با فساد، ریشه‌یابی عوامل و بسترهای فسادزا و از بین بردن آنها است. امام علی(ع) بعد از اجرای حکم در مورد جوانی فرمود: از بیت‌المال برای این جوان ازدواج کنید تا بستر گناه از بین برود و الا دوباره سمت گناه خواهد رفت.

✓ گام دهم امام علی(ع) در مقابله با فساد، ارائه الگوی درست برای اقتصاد خانواده و کشور است. امام علی هم در زندگی شخصی و هم حکومت پنج‌ساله خود، چنان حکومت کردند که عمر بن عبدالعزیز می‌گفت: علی بن ابیطالب از حاکمان گذشته آبرو برد و برای آیندگان خویش، دردسر ایجاد کرد و یک الگو و سمبلی دست مردم جهان تا قیامت داد که کسی نمی‌تواند بیشتر یا کمتر از آن کار کند.

۷ گام یازدهم امام علی(ع) در مقابله با فساد، تامین امنیت اقتصادی فعالان اقتصادی است. علی(ع) دستوراتی را صادر می کند و بر بازار افراد پلیس را می گذارد تا مراقب اموال مردم باشند و ماموران نظارتی می گمارد که کسی احتکار یا گرانفروشی نکند و از سوی دیگر مراقب سرمایه گذار هم هست.

۵. نتیجه گیری

یکی از راه های رسیدگی به معضل فساد در جوامع مسلمان، ایجاد حکمرانی خوب است. با این حال، در عین حال، یک جامعه مدنی پویا و پویا می تواند نقش مهمی در ایجاد و توانمندسازی حکمرانی خوب داشته باشد. از این رو، اسلام با هر گونه تجاوز به اخلاق شریف از قبیل فساد و سایر ظلم ها مخالف است. اسلام رشوه و دزدی را به صراحت حرام کرده است. اسلام همچنین مسلمانان را از سرقت اموال و دارایی های خصوصی و دولتی منع کرده است. علاوه بر این، اسلام با همدلی، فساد را که به عنوان فعالیت های غیرقانونی برای منافع مادی خصوصی یا گروهی و/یا سوء استفاده از اعتماد، قدرت و مناصب/ موقعیت عمومی به نفع منافع شخصی یا گروهی تلقی می شود، ممنوع می کند. اسلام تعلیم می دهد که قدرت و مناصب عمومی که توسط رهبران اداره می شود امانتی است که خداوند به انسان ها عطا کرده است. صاحبان مناصب دولتی هم در برابر خدا و هم در برابر جامعه مسئول هستند. آنها به عنوان خلیفه، نمایندگان خدا در روی زمین، نه تنها در قبال مردم، بلکه نسبت به خودشان نیز مسئول اجرای عدالت هستند. در غیر این صورت مسئول فساد خواهند بود. اسلام مسلمانان را از انجام هر گونه رفتار و عمل افراطی (اسراف) در هر جنبه ای از زندگی منع می کند. بنابراین، اسلام با مال اندوزی زیاد از راه های نامشروع یا غیرقانونی مانند فساد مخالف است. انباشت مال فقط از راه حلال و طیب مجاز است. مقدار معینی از مال حلال باید به فقرا و مستضعفان و سایر مستضعفین به عنوان صدقه اهدا شود. اسلام نیز با «طمع» مخالف است. علاوه بر این، اسلام رهبران را ترغیب می کند که «نمونه های خوب» باشند. از اقدامات اساسی و بنیادی حکومت علوی مبارزه با فساد اقتصادی بود. امیر مومنان با در نظر گرفتن روش ها و قواعد مقابله با فساد و با علم و دانش اقتصادی از مفاسد بسیاری جلوگیری می نمود تا عموم مردم بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند و از فساد که برهم زننده آرامش و تعادل در بازار است پیشگیری شود. سیره عملی امیر مومنان نیز به خوبی نشان دهنده برخورد جدی وی با مفاسد اقتصادی کارگزاران است. در مقابل، حضرت با مردم برخوردی مدارا گونه داشت و به کارگزاران نیز دستور می داد که از خطاهای مردم چشم پوشی کنند. با استفاده از راه کارهای مبارزه با فساد اقتصادی از دیدگاه امام علی(ع) می توان بخش زیادی از فساد اقتصادی را از بین برد. شفافیت در میزان دارایی، برکناری کارگزاران فاسد، ایجاد نظام جامع و دقیق نظارت و کنترل از جمله این راه کارهاست.

منابع

قرآن کریم.

سید رضی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

حکیمی، محمد و حکیمی، علی و حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسنی، علی و عبدالحمید، شمس (۱۳۹۱). راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی،

شماره ۵، ص ۱۰۴ - ۸۱.

Fighting economic corruption in the Alevi government

Abstract

Corruption is one of the main factors preventing institutions and societies from achieving their goals and is one of the main obstacles to their growth and development. Conventionally, the term "corruption" refers to any illegal activity for personal or collective gain. From the point of view of Islam and the Quran, since the goal is a healthy economic circulation in all society, any behavior against this principle is identified as economic corruption and is dealt with, therefore even hoarding is dealt with. Because accumulating wealth not only prevents the healthy circulation of the economy in the society, but also seriously hinders the growth of a person and makes him prone to extravagance. Hazrat Ali explained methods to fight corruption in Nahjal Balagha and used them in government. The purpose of this research is to investigate the fight against economic corruption in the Alevi government. A dynamic civil society can play an important role in creating and empowering good governance. What is worthy of attention, but from the point of view of deep Muslim thinkers in the field of economics, is somewhat far away, is the economic policies of the Alawite government, which can be useful for avoiding the economic crisis in the Islamic world at least and establishing a suitable economic model. be the foundation of a new plan. In this research, a descriptive analytical method has been used, relying on Nahj al-Balagha and other reliable sources.

Key words: Economic corruption, Alevi government, Fight against corruption